

جزوه اصول يك (رسائل شيخ انصاری)

غلام حسين اسدی جهان

حوزه علمیه مشهد مقدس

۹۵/۱۰/۲۰

ویرایش ۹۶/۸/۲۷

فهرست :

۵..... خلاصه اصول یک

۶..... بحث قطع :

۶..... 1- قطع طریقی از هر راهی حاصل شود حجت است

۶..... 2- اقسام حجت

۶..... اقسام حجت :

۷..... قطع به کدام یک از سه معنی فوق حجت است ؟

۷..... ظن به کدام یک از سه معنی فوق حجت است ؟

۷..... 3- اقسام قطع و تفاوت اینها

۷..... اقسام قطع :

۷..... تفاوت قطع طریقی و موضوعی :

۸..... ۴- ظن طریقی و موضوعی

۹..... تنبیهات قطع

۱۰..... تنبیه اول : تجری

۱۰..... آیا متجری ، مستحق عقاب است یا نه ؟ پنج قول

۱۰..... قول اول :بله

۱۰..... دلیل اول : اجماع

- ۱۰..... دلیلی دوم : سیره عقلا
- ۱۱..... دلیلی سوم : حکم عقل
- ۱۱..... دلیلی چهارم : دلیلی عقلی
- ۱۱..... اشکالات شیخ به چهار دلیل :
- ۱۱..... اشکال به دلیل اول
- ۱۱..... اشکال به دلیل دوم
- ۱۲..... اشکال به دلیل سوم
- ۱۲..... اشکال به دلیل چهارم
- ۱۲..... قول دوم (شیخ) : متجری مستحق عقاب نیست و فقط قبیح فاعلی دارد
- ۱۲..... قول سوم (صاحب فصول): تفصیل
- ۱۲..... دلیلی صاحب فصول :
- ۱۳..... اشکالات شیخ به دلیل صاحب فصول:
- ۱۳..... بررسی روایات نیت گناه
- ۱۴..... اقسام تجری :
- ۱۴..... قول چهارم: شهید ثانی
- ۱۴..... قول پنجم : بعض العامة :
- ۱۵..... تنبیه دوم : قطع حاصل از دلیلی عقلی
- ۱۵..... اقوال در حجیت دلیلی عقلی قطعی :
- ۱۵..... خلاصه :
- ۱۶..... بررسی اقوال :

قول اول : اخباریها : ۱۶

بخش اول کلام اخباریها : دلیل اول ۱۶

محدث استرآبادی : ۱۶

محدث جزائری : ۱۷

محدث بحرانی : ۱۷

اشکالات شیخ به محدث بحرانی : ۱۷

بخش دوم کلام اخباریها : ۱۸

اشکالات شیخ به این دلیل : ۱۸

بخش سوم کلام اخباریها : ۱۸

بخش چهارم کلام اخباریها : ۱۹

تنبیه سوم : قطع قطاع ۲۰

قول اول : کاشف القطاع : حجت نیست ۲۰

اشکال شیخ : ۲۰

قول دوم : شیخ : قطع طریقى قطاع حجت است ۲۱

قول سوم : صاحب فصول : تفصیل ۲۱

تنبیه چهارم : علم اجمالی ۲۲

مقام دوم : ۲۲

مقام اول : آیا علم اجمالی باعث اثبات تکلیف میشود یا نه ؟ ۲۳

آیا مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز است ۲۴

۲۴..... بحث اول : آیا مخالفت التزامی با علم اجمالی جایز است ؟

۲۵..... بحث دوم : آیا مخالفت عملیه با علم اجمالی جایز است

۲۵..... خلاصه :

۲۶..... جزوات نوشته شده :

خلاصه اصول یک

کتاب رسایل سه بخش دارد قطع - ظن - شک

در اصول یک ، ما بخش قطع را به صورت کامل خواندیم و در بخش ظن فقط یکی از ظنون معتبر (امارات مورد استفاده در استنباط از الفاظ ایات و روایات) را خواندیم

بحث قطع :

۱- قطع طریقی از هر راهی حاصل شود حجت است

به حکم عقل ، قطع طریقی همیشه حجت است و از هر راهی حاصل شود حجت است و باید به ان عمل شود دلیل شیخ این است که یکی از ویژگیهای ذاتی قطع ، طریقت (کاشفیت) است یعنی وقتی قطع به مطلبی داشتیم واقع برای ما مشخص شده است لذا تبعیت از قطع، به حکم عقل بر ما واجب است

مثال : وقتی قطع پیدا کردید شراب حرام است حکم خدا برای شما مشخص شده است لذا به حکم عقل ، باید این حکم خدا را امتثال کنید

۲- اقسام حجت

اقسام حجت :

- ۱- معنی لغوی : در لغت به آنچه که با ان بتوانیم بر دیگران احتجاج کنیم حجت میگویند یعنی بتوانیم به وسیله آن عذر و دلیل دیگران را رد کنیم یا بتوانیم به وسیله آن دیگران را وادار به پذیرش عذر و دلیل خود کنیم
- ۲- معنی منطقی (اصطلاحی) : به حد وسط برای اثبات اکبر برای اصغر حجت منطقی گویند
- ۳- اصولی (اصطلاحی): آنچه حد وسط است برای اثبات احکام متعلقش

قطع به کدام یک از سه معنی فوق حجت است ؟

قطع به معنی لغوی حجت است و به دو معنی دیگر حجت نیست

ظن به کدام یک از سه معنی فوق حجت است ؟

ظن به معنی لغوی و اصولی و منطقی حجت است

۳- اقسام قطع و تفاوت اینها

اقسام قطع :

قطع دو قسم است :

- ۱- قطع موضوعی : قطعی که جزئی از موضوع حکم باشد
در مثال "مقطوع الخمریه یحرم" قطع به خمریت ، قطع موضوعی است
- ۲- قطع طریقی : قطعی که جزئی از موضوع حکم نباشد و فقط کاشفیت آن از واقع مهم
است در مثال "الخمر حرام" قطع به خمر و قطع به حرمت ، طریقی است

تفاوت قطع طریقی و موضوعی :

- ۱- قطع طریقی در قیاسها ، حد وسط (حجت منطقی) واقع نمیشود اما قطع موضوعی ، حد وسط واقع میشود
- ۲- در قطع موضوعی ، قطع جزء موضوع است به خلاف طریقی
- ۳- قطع طریقی مطلقا حجت است اما حجیت قطع موضوعی تابع دلیل است گاهی دلیل مطلق
قطع را موضوع حکم قرار داده است و گاهی قطع با خصوصیت خاصی موضوع حکم
است
- ۴- امارات و اصول عملیه ، جانشین قطع طریقی میشوند اما قطع موضوعی تفصیل دارد

- امارات جانشین قطع موضوعی طریقی میشوند
- امارات جانشین قطع موضوعی وصفی نمیشوند

نکته :

قطع موضوعی خود دو قسم است

- ۱- قطع موضوعی طریقی : قطع موضوع حکم شرعی است البته خود قطع مهم نیست بلکه مهم کاشفیت از واقع است لذا امارات نیز که کاشفیت از واقع دارند نیز جانشین آن میشوند
- ۲- قطع موضوعی وصفی : قطع موضوع حکم شرعی است و خود قطع مهم است لذا امارات جانشین آن نمیشوند

۴-ظن طریقی و موضوعی

ظن نیز مثل قطع ، دو قسم است ظن طریقی و ظن موضوعی

البته غالباً ظن طریقی است

سپس شیخ برای تکمیل بحث قطع ۴ تنبیه ذکر کرد

تنبیهات قطع

خلاصه تنبیهات: شیخ برای تکمیل بحث قطع ۴ تنبیه ذکر کرد و فرمود در تمام این ۴ تنبیه که قطع طریقی حجت است و وجوب متابعت دارد

۱- تجری:

وقتی قطع مطابق واقع نیست اما مکلف نمیداند واجب است به قطعش عمل کند و قطع او حجت است اما اگر عمل نکند متجری است و قبح فاعلی دارد اما قبح فعلی نیست و مستحق عقاب نیست

۲- قطع حاصل از دلیل عقلی:

قطع حاصل از دلیل عقلی مطلقا، حجت است البته در روایات از فرورفتن در ادله عقلیه در موارد زیر نهی شده است لذا اگر کسی دنبال آن برود معذور نیست

- کشف ملاکات احکام با دلیل عقلی
- فهم مباحث مربوط به اصول دین با ادله عقلی نظری

۳- قطع قطاع:

قطع قطاع حجت است البته میتوان "قطاع" را امر به معروف یا نهی از منکر کرد یا ارشاد کنیم و گاهی واجب است

۴- علم اجمالی:

قطع موجود در علم اجمالی حجت است لذا مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز نیست

تنبیه اول : تجری

قطع طریقی مطلقا حجت است و باید به ان عمل شود اگرچه که قطع مخالف با واقع باشد و مکلف نداند در این بحثی نیست
اما اختلاف در این است که اگر شخصی (متجری) به قطعش عمل نکند و قطعش مطابق با واقع نباشد آیا مستحق عقاب است یا نه ؟

آیا متجری ، مستحق عقاب است یا نه ؟ پنج قول

قول اول : بله

۴ دلیل برای این قول ذکر شده است

دلیل اول : اجماع

دلیل دوم : سیره عقلا

عقلا ، متجری را مستحق عقاب میدانند

دلیل سوم : حکم عقل

عقل تجری را قبیح میدانند

دلیل چهارم : دلیل عقلی

دو نفر که با هم دو ظرف را به نیت شراب بخورند اما یکی از دو ظرف شراب باشد و یکی آب باشد به نظر شما کدام مستحق عقاب است ؟

۱- هر دو

۲- هیچ کدام

۳- فقط کسی که شراب خورده

۴- فقط کسی که آب خورده

گزینه یک درست است و سه صورت دیگر خلاف عقل است
صورت سوم خلاف عقل است زیرا عقاب را منوط به امر غیر اختیاری میکند

اشکالات شیخ به چهار دلیل :

خلاصه حرف شیخ این است که زمانی شخص مستحق عقاب است که قبح فعلی و قبح فاعلی با هم باشد اما متجری فقط قبح فاعلی دارد لذا مستحق عقاب نیست

اشکال به دلیل اول

۱- اجماع محصل ثابت نیست

۲- مساله عقلی است

۳- مخالف وجود دارد

۴- اجماع منقول حجت نیست

اشکال به دلیل دوم

عقلا متجری را مستحق عقاب نمیدانند بلکه فقط او را انسان بد ذاتی میدانند

به عبارت دیگر عقلا میگویند قبح فاعلی است نه قبح فعلی

اشکال به دلیل سوم

عقل حکم به قبح فاعلی میکند نه قبح فعلی

اشکال به دلیل چهارم

از چهار صورت ، احتمال سوم صحیح است و قبیح نیست زیرا عقاب به خاطر امر غیر اختیاری قبیح است اما عدم عقاب به خاطر امر غیر اختیاری قبیح نیست

قول دوم (شیخ) : متجری مستحق عقاب نیست و فقط قبح فاعلی دارد

متجری کار قبیحی انجام نداده است او فقط آب خورده است لذا مستحق عقاب نیست اما انسان بدی است و قبح فاعلی دارد

قول سوم (صاحب فصول) : تفصیل

صاحب فصول گفته است متجری همیشه مستحق عقاب نیست گاهی متجری مستحق عقاب است و گاهی نیست

دلیل صاحب فصول :

قبح تجری ذاتی نیست و با توجه به شرایط فرق میکند ما تجری (جهت ظاهری) را با واقع (جهت واقعی) میسنجیم اگر مصلحت واقع بیشتر باشد تجری قبیح نیست و مستحق عقاب نیست اما اگر مصلحت واقع کمتر باشد تجری قبیح است و مستحق عقاب است
مثال :

شخصی فرزند مولا را میبیند و فکر میکند او دشمن مولا است و باید او را بکشد اما تجری میکند و او را نمیکشد در اینجا مصلحت واقع خیلی مهم است و لذا او مستحق عقاب نیست

نکته :

طبق نظر ایشان ، شدت قبح تجری به ترتیب زیر است

۱- مکروه واقعی

۲- مباح واقعی

۳- مستحب واقعی

اشکالات شیخ به دلیل صاحب فصول:

۱- قبح تجری ذاتی است

۲- سلمنا قبح تجری ذاتی نباشد اقتضایی است یعنی تجری قبیح است مگر جهت محسنی

عارض شود و مصلحت واقع ، محسن نیست زیرا متجری جاهل به آن است

اشکال : شما خودتان (در رد دلیل ۴) گفتید که امر غیر اختیاری هم در استحقاق عقاب

، تاثیر دارد خوب اینجا هم جهت واقع که غیر اختیاری بوده است میتواند قبح را رفع کند

جواب : اولاً قیاس مع الفارق است ثانیاً در اینجا عقل به صورت قطعی ، حکم به قبح

تجری میکند و جهت واقع رافع آن نیست

نکته :

صاحب فصول گفته است که اگر قطع مطابق با واقع باشد عقابها تداخل میکند مثلاً اگر شراب

بخورد و در واقع هم شراب باشد

اشکال شیخ :

ما معنی این حرف را نفهمیدیم اگر منظورش این است که یک عقاب است که ترجیح بلامرجح

است و اگر دو عقاب است تداخل نیست تشدید عقاب است

بررسی روایات نیت گناه

بعد از بیان سه قول ، شیخ انصاری روایات را بررسی میکند

دو دسته روایت آمده است

۱- قصد گناه بخشیده شده است

۲- قصد گناه ، عقاب دارد

جمع بندی شیخ :

۱- احتمال اول : دسته اول ، برای کسانی است که خودشان از نیت گناه برگشته اند و دسته

دوم برای کسانی است که دیگر نمیتواند گناه کند و گرنه قصد گناه دارد

۲- احتمال دوم : دسته اول برای کسانی است که فقط نیت گناه داشته است و دسته دوم برای

کسانی است که بعضس مقدمات گناه را هم انجام داده است

اقسام تجری :

تجری شش قسم است و نظر شیخ در همه این است که متجری مستحق عقاب نیست بلکه قبح

فاعلی دارد

قول چهارم : شهید ثانی

ایا متجری مستحق عقاب است یا نه ، هر دو محتمل است

قول پنجم : بعض العامه :

متجری فاسق است و عقاب متوسط بین صغیره و کبیره دارد

اشکال شیخ : حرف بلا دلیل است

تنبیه دوم : قطع حاصل از دلیل عقلی

ادله ای که برای احکام شرعیه بیان میشود دو نوع است

۱- ادله شرعی

۲- ادله عقلی

دلیل عقلی اگر ظنی باشد حجت نیست و اختلافی نیست اما اگر دلیل عقلی قطعی باشد اختلاف است

اقوال در حجیت دلیل عقلی قطعی :

خلاصه :

دو قول است

قول اول (اخباریها) : دلیل عقلی ضروری و بدیهی حجت است و دلیل عقلی در سایر موارد

حجت نیست اخباری ها دو دلیل دارند

۱- احتمال خطا در دلیل عقلی فراوان است

۲- روایات متواتر دلالت دارند که دین را باید از معصومین گرفت نه از عقل و راه های

دیگر

قول دوم (اصولیهها) : قطع طریقی همیشه حجت است چه دلیل عقلی باشد و چه دلیل شرعی

باشد

شیخ دو دلیل اخباریها را رد میکند

۱- احتمال خطا در دلیل شرعی هم هست

۲- ان روایات دلالت بر عدم حجیت حکم عقل ندارد بلکه از رجوع به دلیل عقلی ناقص و

استغناء از معصومین نهی میکند

نظر شیخ :

قطع طریقی همیشه حجت است چه دلیل عقلی باشد و چه دلیل شرعی باشد

قطع حاصل از دلیل عقلی مطلقا ، حجت است البته در روایات از فرورفتن در ادله عقلیه در

موارد زیر نهی شده است لذا اگر کسی دنبال ان برود معذور نیست

- کشف ملاکات احکام با دلیل عقلی
- فهم مباحث مربوط به اصول دین با ادله عقلی نظری

بررسی اقوال :

قول اول : اخباریها :

بخش اول کلام اخباریها : دلیل اول

دلیل عقلی حجت نیست زیرا خطا در ان فراوان است

محدث استرآبادی :

ایشان میگوید عقل فقط در موارد زیر حجت است

۱- علوم ضروری و بدیهی عقلی

۲- علوم نظری که موادش محسوس باشند

۳- علوم نظری که موادش قریب به حس باشند

عقل در سایر موارد حجت نیست زیرا در استدلالات ، مواد قیاسها دارای خطا هستند

محدث جزایری :

ایشان حرف محدث استرآبادی را قبول دارد
علاوه برآن گفته است در تعارض عقل و نقل ، نقل مقدم است شیخ به این حرف اشکال میکند
که وقتی دلیلی قطعی بود ما از دلیل مخالف آن ، ظن حاصل نمیکنیم و باید دلیل مخالف توجیه
شود

محدث بحرانی :

نظر محدث بحرانی با دو نفر قبلی کمی متفاوت است

خلاصه نظر محدث بحرانی

۱- عقل فطری مطلقا حجت است

۲- عقل غیر فطری در فقه حجت نیست مطلقا

۳- در غیر فقه :

۴- عقل غیر فطری بدیهی حجت است

۵- عقل غیر فطری نظری اگر معارض نقلی نداشته باشد حجت است

۶- در تعارض عقلی و نقلی ، نقلی مقدم است

۷- در تقدیم عقلی بر عقلی اشکال است

۸- در صورت تعارض عقلی فطری و نقلی ، در تقدیم هر کدام بر دیگری اشکال است

اشکالات شیخ به محدث بحرانی :

۱- عقل بدیهی مطلقا حجت است حتی در فقه

۲- در موارد تعارض وقتی از دلیلی قطع حاصل شد دیگر از دلیلهای مخالف ظن حاصل

نمیشود و اگر هم در ظاهر مخالف بودند باید توجیه شوند

۳- تعارض دو عقلی: هر دو ساقط

۴- عقل فطری مقدم بر نقل است

بخش دوم کلام اخباریها :

دلیل دومی که اخباریها برای عدم حجیت دلیل عقلی ذکر کرده اند این است که دین را باید با وساطت معصوم امتثال کرد لذا اگر از راه عقل به دست آید فایده ندارد به بیان دیگر شرط تنجز علم ، صدور عن المعصوم است
دلیل : روایات

اشکالات شیخ به این دلیل :

- ۱- لزوم واسطه بودن معصوم در تبلیغ دین را قبول نداریم زیرا دلیلی از عقل و نقل بر آن نداریم
روایاتی که ذکر کردید دلالت بر نهی از رجوع به عقل ناقص ظنی و بی نیازی از معصوم دارد که در آن زمان میان اهل سنت رایج بوده است
- ۲- سلمنا دلالت روایت را بپذیریم (و بگوییم همه احکام را باید معصومین بیان کنند) باز هم دلیل عقلی حجت است زیرا پیامبر تمام تکالیف را بیان فرمودند و وقتی عقل مطلبی را فهمید میفهمیم از مواردی است که بیان فرمودند

بخش سوم کلام اخباریها :

دلیل دومی که اخباریها برای عدم حجیت دلیل عقلی ذکر کرده اند این است که دین را باید با وساطت معصوم امتثال کرد لذا اگر از راه عقل به دست آید فایده ندارد به بیان دیگر شرط تنجز علم ، سماع عن المعصوم است
دلیل : روایات

اشکال شیخ : سماع و وساطت معصوم شرط نیست عقل و روایات چنین دلالتی ندارند

بخش چهارم کلام اخباریها :

شیخ در نهایت میفرماید اگر منظور اخباری ها، نهی از رجوع به عقل (به خاطر کثرت اشتباه) برای درک ملاکات احکام باشد حرف درستی است و ما نیز قبول داریم
همین طور رجوع به عقل برای درک اصول دین منهی عنه است

تنبيه سوم : قطع قطاع

قول اول : كاشف القطاع : حجت نيست

- ۱- شك كثير الشك معتبر نيست
- ۲- ظن كثير الظن معتبر نيست
- ۳- قطع كثير القطع (قطاع) معتبر نيست

اشكال شيخ :

نکته اول و دوم صحيح است اما بررسی نکته سوم :
منظور ايشان چيست ؟
نکاتی که شيخ بيان ميکند :

- ۱- قطع قطاع در قطع موضوعی حجت نيست
- ۲- قطع قطاع در قطع طریقی حجت است
- ۳- اگر قطاع ، اشتباه کرده است در صورت وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد جاهل ، بر ما لازم است که به او تذکر دهيم
این نکته مخصوص قطاع نيست هر شخصی که خطا کرد در صورت وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد جاهل ، بر ما لازم است که به او تذکر دهيم
- ۴- اگر قطاع ، اشتباه کرده و بعد فهميد مجزی نيست و بايد دوباره تکرار کند

قول دوم : شیخ : قطع طریقی قطاع حجت است

قول سوم : صاحب فصول : تفصیل

قطاع اگر قطع دارد که شارع او را از عمل به قطعش نهی کرده است قطعش حجت نیست والا

حجت است

اشکال شیخ :

قطع طریقی مطلقا حجت است

تنبیه چهارم : علم اجمالی

دو مقام در علم اجمالی مطرح میشود

مقام اول : آیا علم اجمالی باعث اثبات تکلیف میشود یا نه ؟

این بحث ، دو قسم است

۱- آیا مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز است؟

۲- آیا موافقت قطعیه با علم اجمالی واجب است؟ (در جلد بعدی مطرح میشود)

مقام دوم : آیا امثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امثال تفصیلی است یا خیر ؟

مقام دوم :

در دو جا قطعاً امثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امثال تفصیلی است

۱- اگر واجب توصلی باشد

۲- اگر امکان امثال تفصیلی نباشد مثلاً علم و ظن معتبر ممکن نباشد

لذا بحث در تعبدیات و در فرض امکان است

این سوال (آیا امثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امثال تفصیلی است یا خیر؟) به سه سوال

تبدیل میشود

۱- آیا امثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امثال تفصیلی (قطع) است یا خیر ؟

۲- آیا امثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امثال تفصیلی (ظن مطلق) است یا خیر ؟

۳- آیا امتثال اجمالی (احتیاط) مکفی از امتثال تفصیلی (ظن خاص) است یا خیر؟

در هر سه صورت یا احتیاط باعث تکرار عبادت میشود و یا نه

لذا مجموعاً شش صورت میشود

شیخ انصاری هر کدام را جداگانه بررسی میکند اما برای راحتی فهم ما هر شش صورت را با

هم بررسی میکنیم

ادله عدم جواز احتیاط :

۱- تمیز شرط است

۲- قصد وجه در صحت عبادت شرط است و اگر احتیاط کنیم این شرط رعایت نشده است

۳- اجماع

۴- خلاف سیره علما

۵- خلاف احتیاط : احتیاط در ترک احتیاط است

۶- یقیناً فعل را به داعی تعبد باید انجام داد اما نمیدانیم تعبد به خصوصه یا تعبد اجمالی؟

احتیاط به این است که تعبد به خصوصه داشته باشیم

شیخ این ادله را نمیبذیرد

نظر نهایی شیخ :

۱- احتیاط مکفی است

۲- احتیاط کامل به این است که ابتدا به علم یا ظن تفصیلی عمل کند و سپس طرف دیگر را

رجاء انجام دهد

پایان مقام دوم و شروع مقام اول

مقام اول : آیا علم اجمالی باعث اثبات

تکلیف میشود یا نه ؟

این بحث ، دو قسم است

۱- آیا مخالفت قطعیه با علم اجمالی جایز است؟

۲- قسم دوم در جلد بعدی

آیا مخالفت قطعی با علم اجمالی جایز است

مقدمه اول: بیان سه تقسیم برای "اقسام علم اجمالی"

مقدمه دوم: محل بحث در قطع طریقی است نه موضوعی

مقدمه سوم: اگر از علم اجمالی علم تفصیلی متولد شود مخالفت با آن جایز نیست و محل

بحث نیست و مواردی که در فقه وجود دارد باید توجیه شود

مقدمه چهارم: اقسام مخالفت با علم اجمالی: ۱- مخالفت عملی ۲- مخالفت التزامی

مخالفت عملی یعنی شما به خلاف حکم عمل کنید مثلاً شراب بخورد

مخالفت التزامی یعنی شما حکم را قبول نکنید مثلاً بگویید شراب حرام نیست مباح است

بحث اول: آیا مخالفت التزامی با علم اجمالی جایز است

؟

نکته: محل بحث جایی است که مخالفت عملی ممکن نیست و فقط مخالفت التزامی است

نظر شیخ: اشکال ندارد زیرا

۱- شبهه موضوعیه: با اجرای اصل موضوع حکم منتفی است لذا حکمی نیست که به آن

ملتزم شویم

۲- شبهه حکمیه: دلیلی بر وجوب التزام به احکام نداریم

مهم مخالفت عملی است مخالفت التزامی اشکال ندارد

التزام درسه مورد واجب است

۱- عقاید

۲- تعبدیات

۳- ما جاء به النبی علی ما هو علیه

نکته:

شیخ میفرماید ظاهر کلام برخی از علما این است که مخالفت التزامی اشکال دارد اما صحیح اسن

است که آنها مخالفت عملی را جایز نمیدانند و مخالفت التزامی را جایز میدانند

بحث دوم : آیا مخالفت عملیه با علم اجمالی جایز است

خلاصه :

صورت های مختلفی دارد

۱- مکلف به ، مجمل است :

- مخالفت با خطاب تفصیلی : (شبهه حکمیه و موضوعیه) جایز نیست
- مخالفت با خطاب اجمالی : (شبهه حکمیه و موضوعیه): ۴ احتمال است اما نظر شیخ

جایز نیست

۲- مکلف ، مجمل است

- دو مخاطب (۳ مثال فقهی) : نسبت به تکالیف خصوصی برایت جاری میکنند و در مواردی که از علم اجمالی علم تفصیلی حاصل میشود اگر احکام بر حکم ظاهری بار شود مخالفت اشکال ندارد و اگر احکام بر واقع بار میشود مخالفت اشکال دارد
- یک مخاطب (خنثی مشکل) : ۴ قسم

نظر شیخ این است که طبق قاعده اشتغال خنثی باید احتیاط کند مگر عسر و حرج باشد

یا دلیل خاصی موجود باشد

نکته : نظر کلی شیخ در همه اقسام (الا در ۱-عسر و حرج ۲- واجدی المنی فی الجملة) مخالفت عملی ، جایز نیست زیرا علم تفصیلی به تکلیف مولی داریم و اجمال ، مانع تنجز آن نیست

پایان بحث قطع و شروع بحث ظن

جزوات نوشته شده :

- ۱- شرح حلقه یک شهید صدر
- ۲- اشعار محرم (تعدادی از شعرهای دیگران ، جمع آوری شده)
- ۳- صرف و هدایه به چه دردی میخوره ؟
- ۴- ۲۱گام برای موفقیت در حوزه
- ۵- آموزش صرف در ۱۰ روز
- ۶- روش آموزش زبان عربی (برای همه زبانهای خارجی مفید است)
- ۷- روش ترکیب جدید
- ۸- و...

تمام پیشنهادات و انتقادات شما را با جان و دل خریداریم (پیامک کنید)

۰۹۱۵۸۹۳۷۷۹۶

الحمد لله رب العالمين ۲۰/۱۰/۹۵
نفعنا الله به يوم لا ينفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سليم

کپی و نشر این جزوه جایز است